

جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا

(شبه قاره هند)

میثم هادی پور^۱

محمد رضا حافظ‌نیا^۲

حسین کرمی نژاد^۳

مصیب قره‌بیگی^۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۲

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و نهم - زمستان ۱۳۹۹

چکیده

مناطق ژئوپولیتیک پیرامونی، نقش ویژه‌ای در کسب و تأمین منافع و امنیت ملی کشورها ایفا می‌کند. در همین پیوند، یکی از مهم‌ترین این مناطق، جنوب آسیا (شبه قاره هند) است. این منطقه در مجاورت آبهای اقیانوس هند قرار گرفته و با سه منطقه ژئوپولیتیک شرق و جنوب شرقی آسیا، آسیای مرکزی و غرب آسیا تلاقی دارد. در رابطه با ایران نیز، این منطقه از مهم‌ترین مناطق ژئوپولیتیک مجاور این کشور، به‌شمار می‌رود. ایران با کشورهای این منطقه دارای اشتراکات عمیق فرهنگی و تاریخی از یکسو و منافع اقتصادی و امنیتی از سوی دیگر است. در نتیجه، آنچه در جنوب آسیا رخ می‌دهد بر منافع و امنیت ملی ایران مؤثر است. مقاله پیش‌رو تلاش کرده است به بررسی چالش‌های اساسی ژئوپولیتیک این منطقه با تمرکز بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. روش تحقیق پژوهش، توصیفی - تحلیلی، شیوه گردآوری یافته‌ها، کتابخانه‌ای و میدانی، و چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌ها، ترکیبی (کمی - کیفی) است. یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای بیانگر این است که ۱۵ متغیر و چالش در جنوب آسیا بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی

ژئوپولیتیک، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، جنوب آسیا، چالش

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی جنوب غرب آسیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

meysamhadipoor54@yahoo.com

mhafeznia2006@yahoo.com

۲. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران hossein.karami1400@yahoo.com

garehbaygi@alumni.ut.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مناطق ژئوپولیتیک^۱ پیرامونی، نقش ویژه‌ای در کسب و تأمین منافع و امنیت ملی کشورها ایفا می‌کند. در همین پیوند، یکی از مهم‌ترین این مناطق، جنوب آسیا (شبه قاره هند) است. این منطقه در مجاورت آبهای اقیانوس هند - که دریاها، خلیج‌ها و تنگه‌های راهبردی و مهمی مانند دریای عمان، دریای عرب، خلیج فارس، تنگه هرمز و تنگه مالاکا در داخل آن قرار دارد - واقع شده است. از سوی دیگر منطقه جنوب آسیا با سه منطقه ژئوپولیتیک شرق و جنوب شرقی آسیا، آسیای مرکزی و غرب آسیا تلاقی دارد. در اهمیت این منطقه، «آلفرد تایر ماهان»^۲، ژئواستراتژیست و نویسنده کتاب اثرگذار «تأثیر و نفوذ قدرت دریایی در تاریخ»^۳، استدلال کرد که هر کسی اقیانوس هند را در اختیار داشته باشد، دنیا را کنترل خواهد کرد. سوئل کوهن^۴، جغرافیدان سیاسی صاحب نظریه نظام جهانی نیز منطقه شبه قاره هند را در آستانه تبدیل شدن به یک قلمرو ژئواستراتژیک می‌داند. شبه قاره هند هم‌چنین بین دو منطقه پر اهمیت منابع تولید، توزیع و مصرف انرژی هیدروکربنی در جهان، یعنی حوزه خلیج فارس و حوزه دریای خزر قرار دارد. این منطقه برای شرق آسیا نیز حائز اهمیت است، به دلیل اینکه یکی از بزرگترین بازارهای مصرف در جهان است. باتوجه به مرزهای مشترک جمهوری اسلامی ایران با پاکستان از یک‌سو و اشتراکات عمیق فرهنگی و تاریخی و داشتن منافع اقتصادی و امنیتی با پاکستان و هند (مهم‌ترین کشورهای این منطقه) از سوی دیگر، منطقه جنوب آسیا از مناطق مهم ژئوپولیتیک پیرامونی برای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. درنتیجه، آنچه که در جنوب آسیا رخ می‌دهد بر منافع و امنیت ملی ایران مؤثر واقع می‌شود.

وضعیت فعلی منطقه جنوب آسیا صحنه تضادهای درونی و تعارضات ژئوپولیتیک است. این منطقه در نتیجه فضای غالب رقابتی دو قدرت هند و پاکستان در موقعیتی است که چشم‌انداز آینده آن را در مقیاس روابط درون منطقه‌ای نمی‌توان امیدوارانه ترسیم کرد. در حال حاضر روند حوادث و ترتیبات سیاسی نشان‌دهنده سیر این منطقه به‌سوی رویارویی و دشمنی‌های نهادینه‌شده‌ای است که به‌عنوان میراثی تاریخی از زمان تقسیم جنوب آسیا

۱. مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی، که براساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

2. Alfred Thayer Mahan

۳. مجموعه عواملی که بسترساز و مقدمه ضعف هر کشوری است و به کاهش قدرت آن کمک می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: مصاحبه حضوری).

4. Saul Cohen



به‌جا مانده است. براین اساس، مقاله پیش‌رو سعی دارد در پاسخ به سؤال «چالش‌های ژئوپولیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب آسیا چیست»، چالش‌های موجود این منطقه را با تمرکز بر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، بررسی کند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، ۱۵ متغیر و چالش در جنوب آسیا بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. فشار امریکا بر کشورهای جنوب آسیا، روابط کشورهای جنوب آسیا با رژیم صهیونیستی، تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، برخورداری هند و پاکستان از سلاح هسته‌ای، کشف منابع تأمین انرژی در کشورهای جنوب آسیا، وجود منابع جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (کشورهای حوزه خلیج فارس)، وجود مسیرهای جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (خط تاپی)، رقابت پاکستان برای ایجاد مسیر گذرگاهی رقیب با جمهوری اسلامی ایران، اختلافات هند و پاکستان در مورد کشمیر، مناقشات شیعه و سنی در پاکستان، مناقشات مسلمان و هندو در هندوستان، شاخه دیوبندی اهل سنت در جنوب آسیا، نفوذ و حمایت عربستان از نهادهای مذهبی مروج تفکر وهابیت در جنوب آسیا، گروه‌های بنیادگرای لشکر جهنگوی و سپاه صحابه، طرح بلوچستان بزرگتر توسط بلوچ‌های پاکستان، مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا به‌شمار می‌رود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از جنبه روش، توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کمی و کیفی اجرا شده است. از این حیث، روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. برای شناسایی متغیرهای مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا، از نظر استادان دانشگاه‌های پاکستان، هندوستان، بنگلادش، سریلانکا و ایران در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل بهره گرفته شده است. باتوجه به ارتباط سابقه پژوهشی و اجرایی استادان با موضوع تحقیق و اعتبار علمی دانشگاه بر اساس گزارش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۲۰ نفر متخصص شناسایی و پرسشنامه به‌صورت الکترونیکی در قالب ۱۵ سؤال بسته ارسال شد. ۶۵ پرسشنامه به‌صورت کامل پاسخ داده شد. روایی پرسشنامه از لحاظ محتوایی و صوری براساس نظر خبرگان مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نتایجی که از آزمون کرونباخ (۰/۸۸۹) به دست آمد، سؤالات پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار بود. هم‌چنین رتبه‌بندی

متغیرها با استفاده از آزمون فریدمن صورت گرفته است. در پایان (نتیجه‌گیری) نیز نگارندگان متغیرها را در سه محور «چالش‌های امنیتی - دفاعی»، «چالش‌های اقتصادی» و «چالش‌های هویتی - ارزشی» دسته بندی کردند.

اطلاعات جامعه آماری					
تعداد	کشور	تعداد	سطح تحصیلات	تعداد	شغل
۴۰	جمهوری اسلامی ایران	۶۰	دکتری	۵۰	هیات علمی
۲۵	هندوستان، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، هلند	۵	دانشجوی دکتری	۵	کارشناسان وزارت خارجه
	۱۰			دانشجویان و فارغ التحصیلان مقطع دکتری	
۶۵	جمع کل				

چارچوب نظری

پیرامون پژوهش پیش‌رو، نظریه‌هایی که از سوی متخصصان ژئوپولیتیک، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در رابطه با منطقه‌گرایی مطرح شده است، به‌صورت جداگانه نمی‌تواند به‌عنوان نظریه و الگوی جامع و کامل در نظر گرفته شود. از این حیث، سعی شده چارچوب نظری به‌صورت ترکیبی ارائه شود تا عمده ساختار پژوهش را تحت پوشش (نظری) قرار دهد. نظریه‌های مطرح‌شده عبارت است از: ۱. نظریه ساختار فضایی سامانه ژئوپولیتیکی جهان کوهن ۲. نظریه ارتباطات کارل دوویچ ۳. نظریه نوبل ۴. نظریه سازهانگاری ۵. نظریه باری بوزان (مکتب کپنهاگ).

نظریه ساختار فضایی سامانه ژئوپولیتیکی جهان کوهن

این نظریه توسط سائل بی کوهن، جغرافیدان معاصر امریکایی ارائه شده است. ساختار فضایی شامل حوزه ژئواستراتژیک، منطقه ژئوپولیتیکی، نوارهای شکننده و کشورها و مناطق مدخل (گذرگاهی) است. در این نظریه مناطق زیربخش‌هایی از حوزه‌ها است؛ اگرچه ممکن است برخی میان آنها و یا مستقل از آنها باشند. مناطق ژئوپولیتیکی توسط همجواری جغرافیایی و تعاملات سیاسی، فرهنگی و نظامی و شاید به‌واسطه مهاجرت و ازدواج مردمان و تاریخ‌های مشترک ظهور ملی، به یکدیگر پیوند می‌خورند. تمایزات میان حوزه و منطقه تمایزاتی راهبردی و تاکتیکی است. کشورها در هر دو سطح منطقه و حوزه فعالیت می‌کنند و برخی مواقع می‌توانند روابط با دو منطقه یا دو حوزه را حفظ کنند. از نظر کوهن مناطق ژئوپولیتیکی با تداوم توسعه خود به نیروهایی مهمتری در نظام



نظریه ارتباطات کارل دوویچ^۱

از دیدگاه این نظریه، ارتباطات جامعه یا اجتماع سیاسی منطقه‌ای بدون وابستگی متقابل (کارکردهای متقابل فنی، اقتصادی و ارزش‌های مشترک) اعضای تشکیل‌دهنده آن امکانپذیر نیست. این وابستگی متقابل نیز تنها از طریق شبکه‌ای از ارتباطات و مبادلات متقابل به وجود می‌آید. با وجود این، ارتباطات و مبادله به‌تنهایی تشکیل‌دهنده چنین جامعه‌ای را تضمین نمی‌کند؛ زیرا ارتباطات اگر به‌جای کشف و تقویت هویت جمعی مبتنی بر ارزش‌ها و منافع مشترک، بر ارزش‌های متمایز و انتظارات متفاوت تأکید کند، ممکن است تنش را تشدید کند. از این‌رو باید به موازات افزایش ارتباطات بین کشورهای شرکت‌کننده در همگرایی منطقه‌ای، ارزش‌های مشترک، پیش‌بینی‌پذیری تصمیم‌گیرندگان و پاسخگویی متقابل دولت‌ها در سطح منطقه نیز تثبیت و تقویت شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

نظریه نوبل

پاول نوبل^۲ برای توصیف و تحلیل هر منطقه‌ای سه ویژگی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ویژگی اول پایه‌های قدرت و چگونگی توزیع منطقه‌ای آن است. از دید نوبل معمولاً در سامانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، پایه نظامی قدرت مهم‌ترین نقش و تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌ها را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، دولت‌ها برای دستیابی به اهدافشان از قدرت نظامی استفاده می‌کنند. هم‌چنین قدرت سیاسی، اقتصادی و ارزشی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. ویژگی دوم زیرسامانه منطقه‌ای منابع منازعه و سطوح آن است. در هر منطقه یا زیرسامانه منطقه‌ای می‌توان منازعاتی را یافت که به‌شکل تاریخی و تدریجی میان دولت‌ها شکل گرفته است. شناخت این منازعات و ماهیت و درجه شدت و تعداد آنها برای فهم تحولات منطقه ضروری است. هم‌چنین منازعات و بی‌ثباتی‌های داخلی کشورها در هر منطقه‌ای می‌تواند تمام منطقه را بی‌ثبات کند. از این‌رو شناخت منازعات داخلی کشورها و درجه امکان سرایت آنها به خارج از کشور برای فهم تحولات منطقه‌ای ضروری است. ویژگی سوم زیرسامانه منطقه‌ای از دید نوبل که باید مورد بررسی قرار گیرد، الگوهای منازعه و همکاری است. نظام بین‌الملل بر همکاری‌های متقارن (میان دولت‌های درون منطقه) و غیر متقارن (میان دولت‌های منطقه‌ای از یک سو و ابرقدرت‌ها از سوی دیگر)



نظریه سازه‌انگاری

سازه‌انگاری، چارچوبی برای فهم روابط اجتماعی و از جمله روابط بین‌الملل است. این نظریه در بُعد هستی‌شناسی با تأکید بر نقش تکوینی عوامل فکری یا معنایی (ارزش‌های و هویت مشترک)، واقعیات اجتماعی را نتیجه توافق و باور کنشگران می‌داند (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۳ - ۴). از این حیث، در چارچوب نظریه‌های سازه‌انگاری بیشتر بر دو عنصر تأکید می‌شود: الف) باورها که عامل به‌وجود آمدن معنا می‌شود ۲. دانش که موجب ایجاد هنجار می‌شود (معینی علمداری و راسخی، ۱۳۸۹: ۱۸۷)؛ به‌عبارت‌دیگر، سازه‌انگاری با تأکید بر نقش هویت، سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و... به منافع دولت‌ها و الگوهای برآمده از آن (مشیر زاده، ۱۳۸۹، ۳۳۲ - ۳۳۳) می‌تواند نقشی مبتنی بر «دولت همسو» و «دولت غیر همسو» یا «دشمن» و «دوست» بدهد. بر این اساس در چارچوب نظریه‌های سازه‌انگار، مناطق به‌مثابه موجودات اجتماعی خلق شده است؛ زیرا کشورها خود را این‌گونه تصور می‌کنند که در منطقه‌ای مشترک همزیستی داشته و آینده مشترکی دارند (ای. لیک و مورگان، ۱۳۹۲: ۲۹).

نظریه باری بوزان (مکتب کپنهاگ)

باری بوزان^۱ از افراد مؤسس و مؤثر مکتب امنیتی منطقه‌ای، مشهور به کپنهاگ است. بوزان (۱۹۹۱) مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به‌صورت دسته‌ای از کشورها با شبکه‌ای از روابط امنیتی متمایز و مهم - که تضمین می‌کند اعضا دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل هستند - توصیف می‌کند. گروهی از کشورها که نگرانی‌های امنیتی اولیه و اصلی آنها به‌اندازه‌ای به هم وابسته است که در واقع تصور امنیت ملی آنها به‌صورت متمایز از یکدیگر ممکن نیست. بنابراین عنصر مرکزی و محوری در منطقه امنیتی، روابط امنیتی آن و مؤلفه‌های وابستگی متقابل است که به امنیت مربوط می‌شود. بوزان این مجموعه‌ها را برحسب عامل جغرافیا تعریف و تعیین می‌کند؛ مانند مجموعه امنیتی منطقه‌ای آسیای شرقی و جنوب شرقی آسیا. اعضای این مجموعه‌های امنیتی به‌نظر وی در داخل ناحیه جغرافیایی مشخص و معینی قرار گرفته‌اند؛ اگرچه مرزهای آنها ممکن است کدر و مبهم باشد (ای. لیک و مورگان، ۱۳۹۲: ۴۸). در کل، ویژگی‌های مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان از این قرار است: ۱. مجموعه امنیتی منطقه‌ای مکان و فضای جغرافیایی دارد و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه نیز



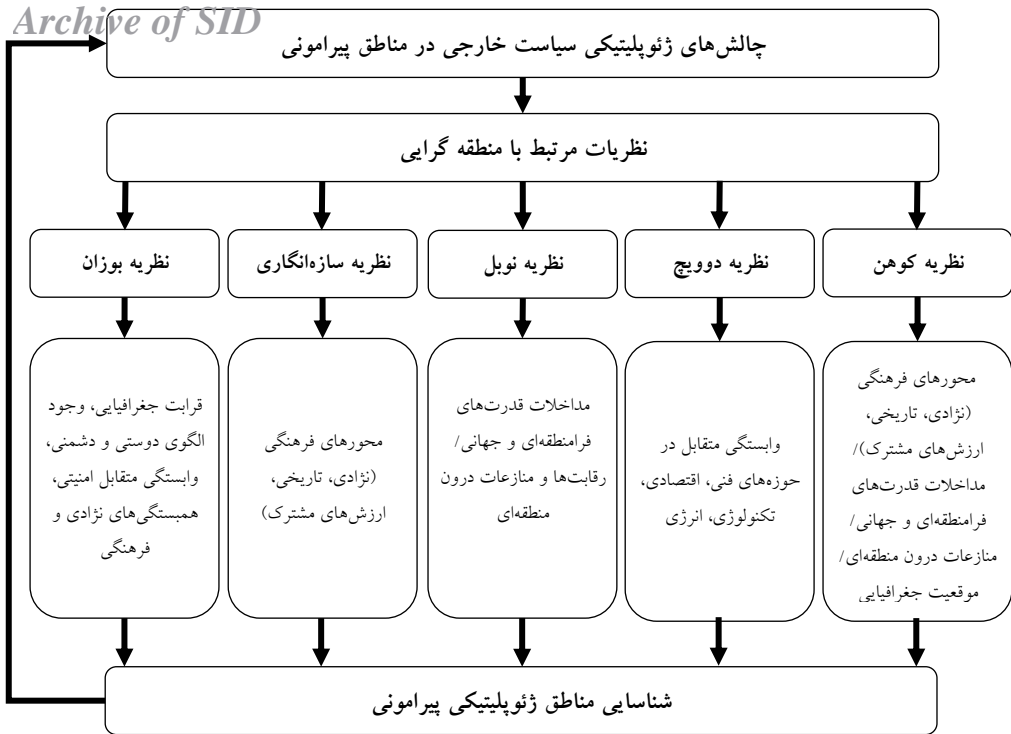
1. Barry Buzan

کشورهایی هستند که بطور گسترده در این روابط حضور دارند. ۲. وجود انکوی دوستی و دشمنی شرط اساسی تشکیل مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. در این راستا وجود ترس و هراس نسبت به یک موضوع بیش از هر چیزی خود را آشکار می‌کند و به‌عنوان عاملی چالشی در روابط دو کشور تأثیر می‌گذارد. ۳. وابستگی متقابل امنیتی میان گروهی از کشورها که اعضای مجموعه را تشکیل می‌دهند؛ یعنی تأثیر و تأثر اعضای تشکیل‌دهنده مجموعه به‌طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر سبب ایجاد تغییر و تحول در موقعیت دیگر اعضای مجموعه می‌شود. ۴. همبستگی‌های نژادی و فرهنگی از جمله عوامل تأثیرگذار بر تعیین شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی است؛ مانند عوامل فرهنگی و قومی که به‌عنوان جزئی از بنیادهای روابط کشورها است (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۲۸ - ۲۱۱).

در مجموع برای تعیین و تعریف مناطق، تحلیل‌گران غالباً این شاخص‌ها را ذکر کرده‌اند: ۱. خودآگاهی اعضا از اینکه آنها یک منطقه را تشکیل داده و ادراکات و برداشت‌های دیگران از اینکه یک منطقه وجود دارد. ۲. مجاورت و نزدیکی جغرافیایی اعضا ۳. شواهدی و قرائنی دال بر وجود میزانی از خودمختاری و تمایز از نظام جهانی، به‌گونه‌ای که منطقه مورد نظر در قدرت نظام مسلط دخل و تصرف داشته و استقلال خود را به نمایش گذارد. ۴. تعاملات شدید و منظم بین اعضا یا وابستگی متقابل قابل توجه آنها ۵. درجه زیادی از شباهت‌ها و نزدیکی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

نگارندگان ضمن ترکیب این نظریات، بر این باورند که اولاً؛ ارزیابی کشورهای جنوب آسیا به‌عنوان یک منطقه و تأثیر پویای آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، کاری عقلانی به‌شمار می‌رود. دوم آنکه؛ شاخص‌های اصلی در تعریف این منطقه (جنوب آسیا) با توجه به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، عبارت است از: ۱. مجاورت و نزدیکی جغرافیایی ب. وجود هویت‌های اشتراکی و متعارض ج. وجود سطحی از ارتباطات میان ایران با کشورهای این منطقه (عمدتاً دوجانبه).





چالش‌های ایران در جنوب آسیا

براساس نظر استادان دانشگاه‌های پاکستان، هندوستان، بنگلادش، سریلانکا و ایران در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل، ۱۵ متغیر مؤثر به‌عنوان چالش‌های منطقه جنوب آسیا برای جمهوری اسلامی ایران شناسایی شد، که به شرح ذیل است:

فشار امریکا بر کشورهای جنوب آسیا

اگرچه امریکا تقریباً در روابط ایران با تمام کشورهای جهان نقش محدودکننده ایفا می‌کند؛ اما این کشور بر منطقه جنوب آسیا به‌دلیل مجاورت جغرافیایی با ایران و جلوگیری از امکان دور زدن تحریم‌ها و توسعه روابط تجاری ایران با آسیا، تمرکز بیشتری کرده است. به‌گونه‌ای که به‌موازات گسترش روابط هند با امریکا، تداوم مناسبات با ایران دشوارتر شده است. در همین پیوند، گفته می‌شود یکی از عمده‌ترین دلایل حمایت‌های راهبردی از هند (کمک به توسعه و تولید انرژی هسته‌ای به‌عنوان جایگزین انرژی‌های سنتی، حمایت از نقش‌آفرینی رو به گسترش هند در جامعه بین‌المللی بویژه عضویت در



شورای امنیت)، به‌منظور دور کردن این کشور از ایران است (ابرار معاصر، ۱۳۹۲: ۶۵؛ Squassion, 2006: 12). از این‌رو هند نمی‌تواند خط‌مشی آمریکا را در آسیای غربی و بویژه ایران نادیده بگیرد. پیگیری این رویکرد را می‌توان در رأی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - تحت فشار آمریکا - درک کرد (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۱۶۸). هم‌چنین پیرامون اقدامات توسعه‌ای در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری، آمریکا در چند سال اخیر بر هند فشارهای زیادی وارد کرده است، به‌گونه‌ای که جلوگیری از سرمایه‌گذاری در تأسیس پالایشگاه در سال ۲۰۰۷، جلوگیری از توافق قرارداد گاز پارس جنوبی میان شرکت نفت و گاز هند و شرکت ملی نفت ایران، خط لوله گاز هند - پاکستان - ایران (معامله ۲۲ میلیارد دلاری برای ۲۵ سال گاز LNG که توسط شرکت خط لوله گاز سراسری هند و شرکت ملی صادرات گاز ایران در سال ۲۰۰۵ منعقد شد)، و اخیراً هم تحریم صادرات نفت ایران به هند، از اقدامات محدودکننده آمریکا در روابط هند با ایران ارزیابی می‌شود (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۴۹).

سیاست‌های آمریکا در رابطه با روابط دوجانبه میان پاکستان و ایران نیز همیشه یک عنصر مهم و تأثیرگذار محدودکننده بوده است (کومار، ۲۰۰۸: ۳۴). در این میان، نقش و نفوذ محدودکننده آمریکا در اقدامات پاکستان علیه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد امنیتی (اقدامات تروریستی علیه ایران در منطقه سیستان و بلوچستان) و اقتصادی نمایان است. ازسوی دیگر آمریکا، سریلانکا (دیگر کشور منطقه جنوب آسیا) را هم به داشتن روابط تجاری (معامله موشک و تجهیزات برای جنگ علیه LTTE) با ایران به تحریم تهدید کرده بود (Madanayaka, 2015: 31).

روابط کشورهای جنوب آسیا با رژیم صهیونیستی

پس از جنگ سرد، رهبران هند به این نتیجه رسیدند که عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، روند روابط هند با آمریکا را آسان خواهد کرد. چرا که آنها معتقد بودند که لابی یهودی امریکایی تأثیر عمده‌ای بر تصمیمات سیاست خارجی واشنگتن دارد (Abhyankar, 2012: 12). درمجموع از زمان عادی‌سازی روابط هند با این رژیم، همکاری ویژه‌ای در زمینه دفاع، مبارزه با تروریسم و همکاری امنیتی، تجارت، کشاورزی، تحقیقات کشاورزی، علم، بهداشت عمومی، فناوری اطلاعات، ارتباطات مخابراتی، زیست‌فناوری، تحقیقات فضایی، امنیت سایبری و به اشتراک‌گذاری اطلاعات، جنگل‌کاری در مناطق خشک، بیابان دایی، حفاظت از آب، بازیافت فاضلاب، فناوریهای کم‌هزینه برای کنترل آلودگی و نظارت بر محیط زیست داشته‌اند (Ghosal, 2016: 1 - 17) هند هم‌چنین به‌عنوان یکی از بزرگترین خریداران تجهیزات نظامی رژیم صهیونیستی، نقش مهمی ایفا



کرده است. با پایان جنگ سرد، جذابیت بازار اسلحه روسیه برای هند کاسی یافت. هند تصمیم گرفت تا سامانه‌ها و تجهیزات نظامی خود را مدرن و گوناگون کند و به تهدیداتی که ممکن است از کشورهای متخاصم به این کشور مانند پاکستان و چین وارد شود، متمرکز شده است. برای هند تجهیزات رژیم صهیونیستی به‌لحاظ فناوری جزء بهترین سامانه‌های موجود در جهان در نظر گرفته می‌شود و از لحاظ اقتصادی نیز در مقایسه با سلاح‌های موجود دیگر معقول و منطقی است (Ghosal, 2016: 20 - 37). همکاری‌ها، تعاملات تحقیقاتی در زمینه‌های دفاع موشکی میان هند و رژیم صهیونیستی بیشتر قابل تأمل است. آنها در این زمینه توافق کردند تا ساخت موشک‌های زمین به هوا و هم‌چنین موشک‌های دور برد را با نام "باراک" به‌صورت مشترک انجام دهند. تحقیقات فضایی و موشکی رژیم صهیونیستی که همواره به‌دلیل فضای محدود جغرافیایی، با محدودیت و دشواری روبه‌رو بود، پس از برقراری روابط گسترده نظامی با هند و کسب فضای مناسب و مورد نیاز، تأثیر محدودیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی را در تحقیقات فضایی تا حدودی بی‌اثر کرده است (ابرار معاصر، ۱۳۹۲: ۱۴۶). در زمینه تجاری نیز در دهه گذشته تجارت هند با رژیم صهیونیستی شش برابر افزایش یافته است و دهلی نو به دومین شریک بزرگ تجاری اورشلیم در آسیا در حوزه خدمات و کالای غیر نظامی تبدیل شده است. این در حالی است که روابط دوجانبه به‌طور عمده بر محصولات دفاعی و امنیتی متمرکز شده بود و به‌سرعت در سایر زمینه‌ها گسترش یافت (Sharma & Bing, 2015: 620 - 632).

پیرامون پاکستان، از آغاز روند مادرید در سال ۱۹۹۱ سؤال از عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به‌طور گسترده‌ای در این کشور مورد بحث واقع شد. برخی رهبران سیاسی، دیپلمات‌ها و مفسران رسانه‌ها از طرفداران شناسایی مشروط بودند. در ادامه این روند، در سال ۱۹۹۸ محمد رفیق تارر، رئیس‌جمهور وقت پاکستان، با عزز وایزمن همتای رژیم صهیونیستی خود در ترکیه ملاقات علنی داشت. بی‌نظیر بوتو (نخست وزیر اسبق این کشور) نیز در سال ۲۰۰۱ (تیرماه سال ۱۳۸۰) در حاشیه نشست سوسیالیست‌ها در لیسبون با شیمون پرز وزیر خارجه رژیم صهیونیستی دیدار کرد (سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۵: ۲۸۴). در سال ۲۰۰۳، پرویز مشرف، رئیس‌جمهور وقت پاکستان هم در سخنرانی خود به این مسئله به‌این‌گونه اشاره کرد: "من همواره این موضع خودم (به‌رسمیت‌شناختن رژیم صهیونیستی و رابطه با آن) را تکرار خواهم کرد. اختلاف ما با اسرائیل چیست؟ ما نمی‌توانیم فلسطینی‌تر از فلسطینیان و کاتولیک‌تر از پاپ باشیم" (Ha'aretz, 2003).

نپال و رژیم صهیونیستی نیز از سابقه طولانی در روابط صمیمانه (برقراری روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۶۰) برخوردار هستند. رژیم صهیونیستی، نپال را با کمک‌های



کوتاه‌مدت در موضوعات مختلف به‌ویژه در زمینه‌های کشاورزی، آموزش، توسعه روستایی، منابع آب، گردشگری و غیره، حمایت کرده و کارشناسان رژیم صهیونیستی در مدیریت مزرعه، تلقیح مصنوعی، آبیاری، آموزش کودکان، کارگران، همکاری‌های بیوتکنولوژی و ماشین‌آلات کشاورزی در نپال کمک‌های فنی ارائه داده‌اند. تدوین پیش‌نویس توافقنامه پیشنهادی دیگری نیز بین دولت نپال و رژیم صهیونیستی تحت عناوینی چون بررسی معافیت متقابل ویزا برای دارندگان گذرنامه‌های دیپلماتیک و همکاری در زمینه‌های فرهنگ، و آموزش و پرورش و... در حال انجام است (NEPAL, 2015: 20 - 49).

تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

در دوره‌های مختلف، تحریم‌های گوناگونی بر ایران تحمیل شده است؛ امریکا از سال ۱۹۸۰ میلادی و شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۶ میلادی ایران را تحریم کردند. دامنه تحریم‌های امریکا به‌دلیل قدرت ساختاری و نهادی امریکا و هم‌چنین گستردگی قدرت اقتصادی این کشور و به‌دنبال آن حضور در دیگر زیرسامانه‌های بین‌المللی، بُرد جهانی (که وجه آشکار آن در سازمان ملل و شورای امنیت و اتحادیه اروپا است) دارد. تحریم نفت و محصولات پتروشیمی، تحریم بانک مرکزی و دارایی‌های آن، جلوگیری از دسترسی به سامانه خدمات پیامی مالی برای انجام نقل و انتقال پول و به‌طور کلی تحریم‌های مالی و نفتی که اقتصاد ایران را هدف گرفته بود، از جمله تحریم‌های سنگین امریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران طی سالهای اخیر بوده است (International Crisis Group, 2013: 13 - 14). در همین راستا، به‌دلیل پیوند منطقه جنوب آسیا با کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا و هم‌چنین وابستگی این منطقه به انرژی، یکی از مناطق راهبردی برای امریکایی‌ها (بویژه در دولت‌های اوباما و ترامپ) و اروپایی‌ها به‌منظور «بین‌المللی‌کردن تحریم‌ها» و اعمال «فشار حداکثری» علیه ایران، همین منطقه (جنوب آسیا) است. ترس از تحریم‌هایی چون «قانون تحریم‌های ایران و لیبی» (ilsa)، «قانون جامع تحریم‌ها»، و مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران cisada، هندوستان را وادار کرد طرح بسیار مهم خط لوله ایران - پاکستان - هند برای انتقال گاز از ایران به هند از طریق پاکستان را به‌دلیل مخالفت آشکار امریکا به بعد موکول کند (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۴۹). هم‌چنین معامله ۲۲ میلیارد دلاری برای ۲۵ سال گاز LNG که توسط شرکت خط لوله گاز سراسری هند و شرکت ملی صادرات گاز ایران در سال ۲۰۰۵ امضا شده بود، با فشار دوباره امریکا مسکوت ماند (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۴۹) در مجموع در یک دهه اخیر، اقدامات دولت اوباما در بین‌المللی‌کردن تحریم‌های ایران و رویکرد ترامپ در به «صفر رساندن صادرات نفت ایران» در چارچوب «فشار حداکثری»، تأثیر به‌سزایی در مراودات



برخورداری هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌ای

از دیگر چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی در منطقه جنوب آسیا، برخورداری هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌ای است. فرهنگ راهبردی آسیای جنوبی با دشمنی میان هند و پاکستان مشخص شده است. عوامل مختلفی سبب حرکت هند و پاکستان به سمت تسلیحات هسته‌ای شد. محرک‌ها و عللی که هند را به سمت برنامه تسلیحات هسته‌ای سوق داد از این قرار است: ۱. نگرانی از تهدید چین به‌ویژه پس از شکست هند در جنگ ۱۹۶۲ و آزمایش تسلیحات هسته‌ای پکن در سال ۱۹۶۴، ۲. تضمین برتری منطقه‌ای در برابر پاکستان، ۳. ارتقای جایگاه هند در سطح جهانی. درمقابل محرک‌های پاکستان برای حرکت به سمت برنامه تسلیحات هسته‌ای را می‌توان به‌این‌گونه جمع‌بندی کرد: ۱. بی‌اعتمادی تاریخی اسلام‌آباد نسبت به دهلی نو ۲. ترس پاکستان از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای هند ۳. جنگ‌های هند و پاکستان در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ و شکست پاکستان (das, 2010: 159; davies, 2004: 64).

آخرین موجودی کلاهک‌های هسته‌ای که هند از آن برخوردار است، حدود ۸۰ - ۱۰۰ عدد است درحالی‌که فهرست موجودی پاکستان ۹۰ - ۱۱۰ برآورد شده است. زاغه هسته‌ای هند در حاضر سه قسمت دارد. نخستین قسمت ناوگان بمبافکن دوربرد است که قادر به حمل سلاح هسته‌ای است؛ این بمبافکن‌ها شامل میراژ ۲۰۰۰، جاگوآر آی اس، میگ ۲۷، و سوکوی سو ۳۰، است. دومین قسمت تعدادی موشک بالستیک بومی و زمین‌پایه است؛ از جمله می‌توان به پریثوای ۱ (۱۵۰ کیلومتر)، پریثوای ۲ (۲۵۰ کیلومتر)، نسخه دریایی پریثوای ۳ (۲۵۰ کیلومتر)، ساگاریکا (۳۰۰ کیلومتر)، آگنی ۱ (۱۵۰۰ کیلومتر)، آگنی ۲ (۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر)، آگنی ۳ (۳۵۰۰ کیلومتر)، آگنی ۴ (۵۰۰۰ کیلومتر)، سویا (۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ کیلومتر) اشاره کرد (arsad, 2017: 20-18). سومین قسمت زاغه هسته‌ای هند نیز از زیردریایی‌های قادر به حمل سلاح هسته‌ای تشکیل می‌شود. هند در حال ساخت زیردریایی بومی به نام آی ان اس آریهانت است. پاکستان هم که تا سال ۱۹۸۷ به اورانیوم غنی‌شده لازم برای تولید سلاح‌های هسته‌ای دست یافته بود، در سال ۱۹۹۰ اجزای لازم برای ساخت چاشنی هسته‌ای را تولید کرد (gartzke and kroenig, 2009: 154) (فاطمی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۹۱) (arsad, 2017: 20 - 18). از جمله ابزارهای پاکستان برای استفاده از بمب هسته‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جنگنده‌های اف ۱۶ و میراژ ۵ پی ای، موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد شامل هاتف ۱ (محدوده ۸۰ - ۱۰۰ کیلومتر)، ابدالی (۲۶۰ - ۳۰۰ کیلومتر)، غزنوی (۵۰۰ تا ۸۰۰



کیلومتر)، شاهین ۱ (۷۵۰ کیلومتر)، غوری ۱ (۱،۱۰۰ - ۱۵۰۰ کیلومتر)، غوری ۲ (۲۰۰ کیلومتر) و شاهین ۲ (۲۴۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر). پاکستان هم‌چنین موشک کروزر بابار (۵۰۰ کیلومتر) و موشک کروزر تبلیغاتی (۳۰۰ کیلومتر) را راه‌اندازی کرده است. گزارش شده که پاکستان دارای ذخایر محدود موشک‌های چینی ۹M- (۶۰۰ کیلومتر) و ۱۱M- (۳۰۰ کیلومتر) است هم‌چنین غوری ۳ با محدوده ۳۵۰۰ کیلومتری و شاهین ۳ با دامنه مشابه در حال توسعه است. (arsad, 2017: 20 - 18)

کشف منابع تأمین انرژی در کشورهای جنوب آسیا

کشورهای جنوب آسیا با انبوه جمعیت بیشتر از هم‌تایان خود در جهان در معرض ابتلا به بحران انرژی هستند. همه کشورها در این منطقه واردکنندگان مواد نفتی هستند. در این زمینه، استفاده از سوخت‌های زیستی به‌عنوان منبع انرژی بومی و تجدیدپذیر می‌تواند نقش مهمی در کاهش وابستگی به واردات نفت و رشد اقتصادی داشته باشد. در چند سال گذشته، علاقه به این سوخت‌های سبز به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. جنوب آسیا، از لحاظ زمین‌شناسی از منابع انرژی فراوانی برخوردار است. این منطقه دارای منابع انرژی گرمایی پایدار بزرگی بالغ بر ۲۵۸،۵۷۸ مگاوات، توان انرژی بادی، ۲۴۱،۳۳۰ مگاوات، توان انرژی آبی ۵،۱ کیلو وات بر متر مکعب در روز و توان خورشیدی است. پاکستان و هند، پرجمعیت‌ترین کشورهای جنوب آسیا، دارای ۶۷،۳۷ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی و ۵،۸۹ میلیارد بشکه ذخایر نفتی هستند. از سوی دیگر، بزرگترین ذخایر زغال سنگ جهان در جنوب آسیا واقع شده و این در حالی است که پاکستان و هند مشترکاً بخش بزرگی از ذخایر ۴۵۳ میلیارد تنی را در اختیار دارند (Muhammad etal, 2015: 1-33) (Saeed etal, 2016: 216-225) (Abbas etal, 2018: 26-34) نپال به‌تنهایی دارای توان برق آبی ۸۳۰۰۰ مگاوات است. حتی اگر تقاضای انرژی با سرعت ۱۰ درصد افزایش یابد، تقاضای داخلی تا سال ۲۰۲۵ تنها به ۳۵۰۰ مگاوات خواهد رسید (Iftikhar etal, 2015: 16). در حال حاضر کشورهای آسیای جنوبی تلاشی چندی را برای انتقال انرژی‌های جایگزین به‌ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر آغاز کرده‌اند تا وابستگی بیش از حد کشورهای جنوب آسیا را به سوخت‌های فسیلی کاهش دهند و تقاضای رو به رشد انرژی را مدیریت کنند (Salem etal, 2015: 538-545)

وجود منابع جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا

منابع گوناگون انرژی در کشورهای همسایه در منطقه جنوب آسیا وجود دارد. میانمار و سه جمهوری آسیای مرکزی (قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان) و کشورهای حوزه خلیج فارس دارای توان قابل توجهی برای صادرات نفت، گاز و برق هستند. شرکت نفت و



گاز هندی (ONGC) در اکتشاف، توسعه و تولید نفت و گاز در حداقل ۱۲ کشور خارج از کشور هندوستان مشارکت دارد. این کشورها شامل میانمار، روسیه، ویتنام، قطر، سودان، نیجریه، ساحل عاج، لیبی، مصر، سوریه، عراق و ایران است. هم‌چنین شرکت GAIL هند در میانمار در استخراج و تولید گازهای دریایی شرکت دارد. انتظار می‌رود نفت و گاز صادراتی از این سرمایه‌گذاری‌ها برای بهبود امنیت انرژی هند افزایش یابد. علاوه بر این، راهبرد تأمین انرژی بر LNG وارداتی و گاز لوله‌کشی وارد شده از میانمار، آسیای مرکزی و احتمالاً از بنگلادش متکی است (ESMAP, 2008: 40 - 91). میانمار با ذخایر نفتی ۳,۲ میلیارد بشکه نفت، ذخایر گاز طبیعی ۱۸ تریلیون فوت مکعب، توان برق آبی ۳۹,۷۲۰ مگاوات، یکی از همسایگان ثروتمند (منابع انرژی) آسیای جنوبی است. هند در حال توسعه طرح چندمنظوره Tamanti است که در نزدیکی مرز هند و میانمار با ظرفیت نصب‌شده ۱۲۰۰ مگاوات در مرحله اول و ۴۰۰ و ۷۰۰ مگاوات در مرحله دوم و سوم قرار دارد و بیشترین میزان تولید برق از این طرح برای فروش در هند، در نظر گرفته شده است. شرکت‌های انرژی هندی در سرتاسر بخش خصوصی و دولتی، سهامی را برای توسعه میدان‌های گاز و نفت در میانمار گرفته‌اند. شرکت نفت و گاز طبیعی و اداره گاز هند حدود ۳۰ درصد سهام خود را در بلوک‌های ۱A- و ۴A- ذخیره کرده‌اند که ذخایر آن به ترتیب برابر با ۵,۷ tcf تا ۱۰ - ۱۳ tcf گاز در ساحل میانمار است (Rahman, 2012: 47-48). منطقه آسیای مرکزی هم یکی از حوزه‌های مهم انرژی و در دسترس منطقه جنوب آسیا است. این منطقه در کمترین تخمین ۲/۱۷ و در بیشترین تخمین ۷/۴۹ میلیارد بشکه ذخایر شناخته‌شده (۵٪ از کل ذخایر جهانی نفت) و ۶۵/۶ تریلیارد متر مکعب (۸/۳٪ کل ذخایر جهانی گاز) را داراست (bp, 2011). در بین گزینه‌های مختلف، صادرات گاز به جنوب آسیا، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های این کشورها است؛ هم‌چنین چندسال پیش، شرکت هندی GAIL قرارداد سی‌ساله خرید گاز با شرکت «ترکمن‌گاز ۳» را امضا کرد که قرار است از خط لوله تاپی به هند منتقل شود (Mallya & Deshmukh, 2015: 3). در کنار این منابع می‌توان به توان کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس اشاره کرد. هند در اصل با کشورهای خلیج فارس مانند عربستان، کویت و امارات توسعه روابط بلندمدت و راهبردی را در بخش انرژی شامل عرضه نفت و فرآورده‌های نفتی، سرمایه‌گذاری مشترک، صنایع پتروشیمی و بازاریابی توافق کرده است. هند هم‌چنین از سال ۲۰۰۳ قراردادهایی با قطر برای عرضه ۷,۵ میلیون تن LNG در سال به مدت ۲۵ سال منعقد کرد (ESMAP, 2008: 40 - 91) (Sikri, 2008: 17).



کشورهای آسیای جنوبی به منظور افزایش امنیت انرژی، راهبرد گوناگونی را در تأمین منابع و ابزار واردات، از جمله خطوط لوله در نظر گرفته‌اند. کشورهای حاشیه‌ای این منطقه از نظر نفت و گاز غنی هستند. از این رو، ساخت خط لوله برای جنوب آسیا امکانپذیر است، چنانکه یکی از طرح‌ها، خط لوله گاز میانمار - بنگلادش - هند (MBI) است. طرح خط لوله سه‌جانبه ابتدا توسط شرکت خصوصی بنگلادش به نام موهانا هولدینگ، در سال ۱۹۹۷ پیشنهاد شد. این خط لوله در مسیر ایالت اراکان در میانمار و سپس از ایالت‌های شمال شرقی میزورام و تریپورا در هند، قبل از عبور از بنگلادش و در نهایت به کلکته در بنگال غربی، ساخته می‌شود (Dadwal, 2011: 756 - 758). این خط ۹۰۰ کیلومتر طول دارد و به منظور انتقال پنج میلیارد متر مکعب گاز طراحی شده است (Huda, 2013: 2). از سوی دیگر، برای انتقال گاز به ایالت بنگال غربی در هند، مذاکرات با دولت بنگلادش برای تأمین امکانات حمل و نقل صورت گرفت؛ به گونه‌ای که در ژانویه سال ۲۰۰۵، بنگلادش با اجازه عبور خط لوله از طریق قلمرو خود موافقت کرد. طبق مفاد این توافقنامه، شرکت انتقال گاز بنگلادش مسئولیت مدیریت خط لوله ۱۸۰ مایلی در قلمرو خود را برعهده خواهد داشت و سالانه ۱۲۵ میلیون دلار هزینه حمل و نقل دریافت خواهد کرد (ESMAP, 2008: 55).

خط لوله TAPI برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ پیشنهاد شد و توافقنامه‌های اولیه بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸ بین چهار کشور امضا شد. خط لوله TAPI برنامه‌ریزی شده است تا از میدانهای گالکینیش در ترکمنستان، و هرات، نیمروز و قندهار در افغانستان، و کوپته، دره غازی خان و مولتان در پاکستان عبور کند و به مرز هند در فاضلکا برسد. حجم گاز اختصاص داده شده سالانه پنج میلیارد متر مکعب برای افغانستان و ۱۴ میلیارد متر مکعب برای هند و پاکستان است. انتظار می‌رود خط لوله تا پی ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار هزینه حمل و نقل برای پاکستان و افغانستان درآمد داشته باشد و امنیت انرژی طولانی‌مدت را برای بیش از ۱,۵ میلیارد نفر در منطقه ایجاد کند. با وجود موانع، نشانه‌هایی از پیشرفت در زمان‌های اخیر در طرح تاپی مشاهده شده است. ساخت بخش ترکمنستان تاپی نیز در دسامبر ۲۰۱۵ آغاز شد و مراسم افتتاحیه آغاز کار طرح در پاکستان و افغانستان در سال ۲۰۱۷ بود (Huda et al, 2017: 202 - 203). همچنین پیشنهاد دیگری نیز برای ساختن خط لوله گاز از میدان گاز گنبد قطر به هند از طریق امارات و کراچی پاکستان برای مدت طولانی مورد توجه قرار گرفته است. خط لوله ۱۸۳۰ کیلومتری از میدان گاز گنبد به امارات، از طریق دریا خواهد بود. همان‌طور که برنامه‌ریزی شده است، این خط لوله در امارات از روی زمین عبور می‌کند و از زیر دریا تا کراچی ادامه دارد و سپس از آنجا دوباره

رقابت پاکستان برای ایجاد مسیر گذرگاهی رقیب با جمهوری اسلامی ایران

سرزمین پاکستان از موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک منحصراً به فردی برخوردار است. این کشور از سمت غرب به افغانستان، ایران و منطقه غنی خلیج فارس و شبه جزیره عربستان دسترسی مستقیم دارد و از سمت شرق با شبه قاره هند پیوستگی جغرافیایی دارد و حتی بخشی از این منطقه ژئوپولیتیک از سمت جنوب به پهنه اقیانوس هند دسترسی مستقیم دارد و از سمت شمال شرقی و شمال در نزدیکی کشور بزرگ چین و منطقه آسیای مرکزی است. این وضعیت باعث به وجود آمدن موقعیت کم‌نظیر ژئوپولیتیک کشور پاکستان شده است. شبکه حمل و نقل و ارتباطات زمینی در محور شمالی - جنوبی بین حوزه‌های اقتصادی مهم آسیا یعنی روسیه و هند، هند و آسیای مرکزی، آسیای جنوبی با آسیای مرکزی، چین با منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان بسیار ضعیف است. این مسئله در بستر کلان‌تر، در قاره وسیع اوراسیا دیده می‌شود که محورهای ارتباطی شمالی - جنوبی به‌خوبی شکل نگرفته‌اند و به همین دلیل حتی ارتباطات قاره آفریقا با مرکز خشکی اوراسیا نیز با مشکل جدی روبه‌رو است. واقعیت این است که پاکستان، هم‌مرز با محور شرق ایران، اکنون در کریدورهای ترانزیت و خطوط لوله آسیای مرکزی و اصولاً به‌لحاظ ژئوپولیتیک و نیز ژئواکونومی خود را رقیب بالفعل ایران تلقی می‌کند (نصیری، ۱۳۹۲: ۸۱). دو دولت چین و پاکستان برای فعالسازی کریدور اقتصادی چین - پاکستان توافقنامه‌هایی را امضا کردند که به‌موجب آن طرح توسعه کریدور چین - پاکستان (CPEC) شامل تأسیس شبکه ریلی، جاده‌ای و خطوط لوله انرژی است که شهر بندری گوادر در استان بلوچستان پاکستان را به شهر چینی کاشغر در استان سین کیانگ در غرب چین متصل می‌کند. پاکستان با توجه به موقعیتش در رابطه با آسیای جنوبی و مرکزی و نزدیکی به شبه جزیره عربستان در سواحل جنوبی، نقش محوری در پیشبرد طرح CPEC دارد. طرح‌های پکن برای جاده ابریشم زمینی و دریایی بر روی کریدور اقتصادی چین و پاکستان تکیه می‌کند. طرح بندر گوادر با مشارکت راهبردی چین و پاکستان، یکی از مهمترین طرح‌های توسعه مشترک آنها در سال‌های اخیر است (Haider, 2005: 95 - 103) (Chaziza, 2016: 3 - 4).

مناقشات شیعه و سنی در پاکستان

درحالی‌که درصد زیادی از جمعیت شمال غربی و شرق هند بریتانیا، مسلمانان بودند؛ اما در عین حال در ۲۵ درصد از جمعیت شبه قاره به‌شمار می‌رفتند. پس از سال ۱۹۴۷ گوناگونی و اختلاف میان مسلمانان این منطقه افزایش یافت. با وجود اکثریت آشکار سنی



اختلافات مذهبی و عقیدتی قابل مشاهده است. سنی‌ها درصد زیادی از مسلمانان پاکستان و شیعیان بین ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت پاکستان را تشکیل می‌دهند (Mlik, 2002: 13). تا قبل از دهه ۱۹۸۰، شیعیان فعالیت سازمانی و سیاسی چشم‌گیری در پاکستان نداشتند و روابط سنی - شیعه به‌طور گسترده بر صلح و آرامش مبتنی بود و خبری از خشونت فرقه‌ای بین آنها نبود؛ اما به تدریج به دلیل زمینه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چنین توازنی به هم ریخت و روابط شیعه و سنی منازعه‌آمیز شد (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). تحولاتی چون دخالت پاکستان در جنگ افغانستان و شوروی در دهه ۱۹۸۰، سیاست‌های "اسلام‌گرایانه" بحث‌برانگیز ژنرال ضیاءالحق و احساس توانمندی شیعه پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، به آزار و اذیت بسیاری از شیعیان به دست تعدادی از سازمان‌های شبه نظامی ضد شیعه کمک کرده است (Singh, 2015: 4675 - 4667). طبق گزارش پورتال تروریسم جنوب آسیا در سال ۲۰۱۸، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸، مجموعاً ۴۷۹ مورد حادثه خشونت فرقه‌ای رخ داده است که در آن ۷۲۹۱ نفر کشته و ۱۵۴۲۸ نفر زخمی شدند.^۱

مناقشات مسلمان و هندو در هندوستان

اسلام در هند با بیش از ۱۸۴ میلیون پیرو (۲۰۱۶)، دومین دین پس از آیین هندو است. پس از اندونزی و پاکستان، هند زیستگاه بیشترین جمعیت مسلمان در جهان است. تقریباً نیمی از مسلمانان هند (۴۷٪) در سه ایالت اوتارپراداش، بنگال غربی و بیهار زندگی می‌کنند. با وجود اینکه هند به‌عنوان زادگاه بسیاری از ادیان شناخته شده است، موقعیت اجتماعی و اقتصادی مسلمانان به‌طور متوسط شبیه به طبقه پایین جامعه هند است. (Babu, 2017: 27 - 30) (جمشیدی، ۱۳۷۲: ۶) (Khan et al, 2008: 44) (Bhalotra,) (2012: 1 - 15) در جریان تقسیم‌بندی هند و پاکستان، خشونت فرقه‌ای میان هندوها و مسلمانان نیز به اوج رسید. هندوهای مهاسابا، سازمان خدمت به کشور (RSS) و سازمان‌های دیگر تلاش خود را برای گسترش تعصب و دشمنی مذهبی، و تحریک هندوها برای مهاجرت از پاکستان انجام دادند. به همین ترتیب، لیگ مسلمان نیز اقداماتی را انجام داد که به شدت مسلمانان را ترغیب می‌کرد که از هند خارج شوند. در اوایل، درگیری‌های فرقه‌ای میان هندوها و مسلمانان بیشتر در شمال هند اتفاق می‌افتاد؛ اما اکنون به جنوب هند گسترش یافته است و این روند همچنان گسترده‌تر شده است. در گذشته، خشونت فرقه‌ای به‌طور کلی به شهر محدود شده بود، اما اکنون به مناطق روستایی گسترش یافته است. (Hu, 2015: 242 - 246) (جمشیدی، ۱۳۷۲: ۴۱ - ۶۴). در میان بزرگترین حوادث

1. <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/database/Fidayeenattack.html>

بین مسلمانان و هندوها می‌توان به این موارد اشاره کرد: کشتار بزرگ کلکته در سال ۱۹۴۶، جنگ بیهار و گرماقشت در سال ۱۹۴۶ پس از شورش ناهالی در شرق بنگال، قتل عام مسلمانان در جامو، قتل عام مسلمانان بعد از عملیات پولو در حیدرآباد، ضد شورش علیه مسلمان در کلکته در سال ۱۹۵۰، شورش‌های گجرات ۱۹۶۹، شورش‌های بایاوندی ۱۹۸۴، شورش‌های گجرات ۱۹۸۵، شورش‌های باگلپور ۱۹۸۹، شورش‌های بمبئی در سال ۱۹۸۳، شورش‌های گجرات در سال ۲۰۰۲ و در سالهای اخیر، کشتار عظیم مسلمانان به‌ویژه در سال ۲۰۲۰ (Babu, 2017: 27 - 30). گروه‌های بنیادگرای هندی به‌شدت با این فکر مخالفاند که اقلیت‌های قومی - مذهبی باید با هندوها برابر باشند. در داخل این گروه‌ها، تشکیلات داوطلبان ملی R.S.S به‌طور خاص قصد دارد هند را به کشوری هندو (هندو استرا) تبدیل کند (Singh, 2018: 2 - 16).

شاخه دیوبندی اهل سنت در جنوب آسیا

مرد از دیوبندی، تمام علمایی هستند که سرچشمه فکری آنها از اندیشه «شیخ مجدد الف ثانی احمدبن عبدالاحد سرهندی» است؛ و پس از آن به «امام شاه ولی‌الله احمدبن عبدالرحیم» و سپس به بنیانگذاران دانشگاه دارالعلوم دیوبند «امام محمد قاسم نانوتوی»، «شیخ الفقیه رشید احمد گنگوهی» و «شیخ محمد یعقوب نانوتوی» متصل می‌شوند. فرقی ندارد که دیوبندی از دارالعلوم دیوبند فارغ‌التحصیل شده باشد یا از مظاهرالعلوم سهارانیپور و یا غیر از این‌دو، مانند مدرسه‌های زیادی که در هند و یا شبه قاره و غیر از آن، از بلاد غرب و شرق که در پوشش مسلک و مذهب و منهج آنها قرار دارند. خلاصه اینکه لفظ دیوبندی در ابتدا به کسانی که ساکن «قریه دیوبند» بودند اطلاق می‌شد و سپس به فارغ‌التحصیلان «دارالعلوم دیوبند» و در آخر و زمان حاضر لقب هر سنی‌مذهبی است که حنفی باشد یا شافعی، عالم باشد یا عامی «دیوبندی». دیوبندی‌ها تمام مسلمانان به‌جز وهابی‌ها و خودشان را به دیده مشرک می‌نگرند و در این میان، با شیعیان عناد و دشمنی ویژه دارند. دشمنی گروه‌های وهابی و دیوبندی با شیعیان به‌حدی است که در این راه حتی بر روی بعضی از عقاید خود پا می‌گذارند (قاسمی، ۱۳۷۹: ۴۸؛ شفیع، ۱۳۸۵: ۷۲ - ۷۱).

نفوذ و حمایت عربستان از نهادهای مذهبی مروج تفکر وهابیت در جنوب آسیا

یکی از ویژگی‌های محیط امنیتی جنوب آسیا حضور غیر رسمی بازیگران منطقه‌ای و نقش سلبی و منفی برخی از بازیگران منطقه‌ای است که عامل تشدید بی‌ثباتی و چهره ناهمگون و مخدوش امنیت در این کشورها شده است. در میان این کشورها برجسته‌ترین نقش از آن عربستان است (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۳ - ۱۲). در سطح دوجانبه عربستان به‌دنبال



راه‌کارهایی با اهرم جمعیت مسلمانان هند برای پیشبرد منافع منطقه‌ای و جهانی خود است. عربستان از طریق ساخت مساجد، مدارس و مؤسسات یادگیری عربی و توزیع متون مقدس بین فقرا و مردم فقیر مسلمان هند به جایگاه خوبی دست یافته است. در دو دهه گذشته، این کشور شاهد شتاب در شیوه‌های اسلامی سلفی بوده است و برخی نیز نفوذ آنها را در افزایش جهاد در کشمیر می‌بینند. انتصاب پی‌درپی مقامات پلیس به‌عنوان سفیر در ریاض (به‌عنوان مثال T. T. P. عبدالله و احمد جاوید)، نگرانی‌های دهلی نو در مورد پیوندهای احتمالی سعودی‌ها و افراط‌گرایی را نشان می‌دهد. ریاض علاوه بر ارائه آموزش‌های عربی و قرآنی در درون کشورهای اصلی، تعداد زیادی بورس تحصیلی را برای دانشجویان مدارس دینی برای تحصیل در دانشگاه اسلامی مدینه فراهم می‌کند که اغلب به‌عنوان منبع اصلی رادیکالیزه‌شدن در میان جوانان مسلمان شناخته می‌شود (Kumaraswamy, 2018: 65 - 75). در میان دیگر سرمایه‌گذاری‌ها، حمایت عربستان از تشکیلات آموزشی اهل حدیث هند و پاکستان بسیار قابل توجه است که جهت‌گیری مذهبی آنها به وهابیت‌های عربستان نزدیک است. دانش‌آموزان وابسته به مدرسه‌های اهل حدیث به‌طور مرتب برای آموزش عالی به عربستان فرستاده می‌شوند و بسیاری از آنها برای درس‌دادن در این مدرسه‌ها و مدارس دیگر به کشور خود بر می‌گردند (ibid: 174 - 176). جماعت مجاهدین بنگلادش ادعا کرده است که از اهداکنندگان فردی در کشورهای مختلف غرب آسیا کمک مالی دریافت کرده است. گزارش‌ها هم‌چنین ادعا کرده‌اند که ازسوی سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی مستقر در عربستان، کویت، قطر و امارات برای JMB بودجه آمده است (Rubin, 2010: 62)

گروه‌های بنیادگرای لشکر جهنگوی و سپاه صحابه

مکاتب و مذاهب گوناگونی در پاکستان وجود دارد که ریشه وهابیت داشته و به‌نوعی دیدگاه‌های افراطی را منعکس می‌کنند. برخی از این گروه‌های افراطی عبارت است از:

۱. سپاه صحابه (ssp): مولانا حق‌نواز جهنگوی و ۲۳ تن از همکارانش سپاه صحابه را در منطقه جهنگ، در غرب پنجاب تأسیس کردند (Roy, 2004: 23) (Mir, 2008: 216). عوامل گوناگونی انگیزه شکل‌گیری سپاه صحابه را توضیح می‌دهد. واضح‌ترین دلیل آن رویارویی با نفوذ شیعه و محدودکردن روند سازمانی تحریک نفاذ فقه جعفریه (TNFJ) است که معتقدند توسط دولت ایران پشتیبانی می‌شود؛ اما برخی ادعا می‌کنند که سپاه صحابه در پاسخ به سلطه مالکان شیعه بر مسلمانان سنی در جنگ تشکیل شده است. از لحاظ ایدئولوژیک، سپاه صحابه خواستار تشکیل دولتی در پاکستان است که بر روی اهل سنت، اسلام حنفی بر اساس خلفای صدر اسلام ساخته شده باشد. افراط‌گرایان سپاه



صحابه عمدتاً به روش‌هایی چون قتل‌های هدفمند اعضای برجسته جامعه شیعه و به‌ویژه اعضای تحریک نفاذ فقه جعفریه و حمله به عبادت‌کنندگان در مساجد شیعه، حمله به نمادهای کشور ایران، انتشار مطالب ادبی ضد شیعی در مدارس و مساجد، هم‌چنین سازماندهی تظاهرات علیه شیعه و مبارزات انتخاباتی عمل می‌کنند (Howenstein, 2008: 35) (ZahabandRoy, 2004: 23) (mir, 2008: 216) (Zaman, 1998: 714).

۲. لشکر جهنگوی (LeJ): در سال ۱۹۹۶ توسط ریاض بصره، مالک اسحاق و اکرم لاهوری تشکیل شد. لشکر جهنگوی سازمانی افراطی نظامی اسلامی سنی است که بخش عمده‌ای از نیروی خود را به مبارزه با مسلمانان شیعه پاکستان به‌منظور ایجاد یک خلافت مسلمانان سنی در سراسر کشور به‌عنوان بخشی از جنبش دیوبند هدایت می‌کند (Sloan & Anderson, 2009: 375 - 376). تفکری هست که می‌گوید لشکر جهنگوی به‌عنوان شاخه نظامی پیرو سپاه صحابه برای انجام حملات علیه جامعه شیعه تشکیل شده است و عده‌ای نیز بر این باورند که برخی از اعضای افراطی سپاه صحابه به‌خاطر ناراضی‌بودن از رهبری سپاه صحابه به‌خاطر دور بودن از آرمان‌های جهنگوی این سازمان را تشکیل داده‌اند (mir, 2008: 227).

طرح بلوچستان بزرگتر توسط بلوچ‌های پاکستان

از زمان استقلال پاکستان، این کشور با چندین جنبش ملی روبه‌رو شده که جنبش ملی‌گرای بلوچ یکی از آنها است. این مسئله ملی در پاکستان ریشه در دوران استعمار دارد. جنبش برجسته بلوچ درطول استعمار انگلیس در قالب خودمختاری منطقه‌ای، به‌دلیل خشم علیه سیاست‌های دولت استعماری به‌وجود آمد (Amin 1993: 57 - 59). بلوچستان به‌معنای "سرزمین بلوچ" در کوه‌های ناهموار جنوب غربی پاکستان واقع شده که بزرگترین استان کم‌جمعیت و بسیار توسعه‌نیافته پاکستان است. منطقه‌ای که به‌عنوان منطقه جنگی پاکستان شناخته می‌شود، با فقر حاد، بیسوادی زیاد، اشتغال محدود و بدترین زیربنای روبرو است. بلوچستان پاکستان با وجود اینکه ذخایر زیادی از گاز طبیعی، طلا، مس و آهن دارد، فقیرترین منطقه در کل جنوب آسیا به‌شمار می‌رود. این ایالت از دو گروه اصلی قومی، بلوچها و پشتون تشکیل شده است، درحالی‌که دیگر گروه‌های قومی مانند پنجابی، سندی و برهویی نیز در این ایالت هستند. از لحاظ تاریخی، بلوچها اکثریت نیستند و بیشتر در امتداد خطوط قومی و منطقه‌ای تقسیم شده‌اند. از زمان شکل‌گیری پاکستان، بلوچ به‌صورت مشترک ازسوی دولت‌های مرکزی و ایالتی مورد غفلت قرار گرفته است. به‌طور کلی، سیاست‌های دولت مرکزی در بلوچستان ناموفق بوده است. رژیم‌های نظامی و غیر نظامی از طریق سیاست‌های خود، بلوچ را تحریک می‌کنند. امروز بلوچستان به



منطقه‌ای از درگیری و محدوده‌ای از منافع برای بازیگران بین‌المللی، و تهدیدی جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی تبدیل شده است به‌گونه‌ای که این منطقه شاهد مبارزه طولانی مدت ۶۷ ساله برای استقلال بوده است (Ahmad & etal, 2017: 1 - 5) (Kupecz,) (2012: 96 - 106) (Akhtar, 2014: 120 - 123).

منازعات هند و پاکستان در منطقه کشمیر

یکی از مهم‌ترین بحران‌های منطقه شبه قاره هند بحران کشمیر است که در کیفیت و سطح روابط درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار است. می‌توان گفت مهم‌ترین مکان راهبردی که تنشج میان هند و پاکستان را در آشکارترین شکل خود به‌وجود آورده است و این تنشج به پیش از تشکیل دولت‌های آنها باز می‌گردد، در منطقه منازعه جامو و کشمیر شکل گرفته است. به‌گونه‌ای که اختلافات سرزمینی بین آنها با ادعاهای ایدئولوژیکی و مذهبی از استحکام و دوام بیشتری برخوردار شده است (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۶۲). منطقه کشمیر از اهمیت راهبردی ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا پاکستان حیات خود را مرهون رودخانه‌های پنجاب و سند و جلگه‌های حاصلخیز ناشی از آن می‌داند. ازسوی دیگر، کنترل آن ازسوی قدرت رقیب پاکستان منبع تهدید جدی برای آن تلقی شده است. هند به این منطقه علاقه‌مند است؛ زیرا اولاً آن را بر منطقه شمالی هند و پایتخت این کشور یعنی دهلی نو و مرکز مذهبی امریتسار مسلط می‌داند و حضور رقیبانش یعنی چین و پاکستان را بر جامو و کشمیر، تهدیدی برای خود تلقی می‌کند؛ دوم اینکه با حضور در منطقه از دسترسی چین به مرزهای شمالی خود جلوگیری می‌کند؛ و در آخر با کنترل منطقه می‌تواند از آن به‌عنوان اهرم فشاری علیه پاکستان استفاده کند و سیاست خارجی آن را منفعل کند (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۸۵ - ۲۸۲).

تجزیه و تحلیل

سیاست خارجی هر کشوری در نگاه و تعریف کلی، مجموعه راهبردها یا خط‌مشی‌هایی است که با در نظر گرفتن منافع ملی و ارزش‌ها و اصول مدنظر «ملت» و «حکومت»، ازسوی تصمیم‌گیرندگان هر کشوری در ارتباط با دیگر کشورها و مناطق طراحی و عملیاتی می‌شود. از این‌رو، سیاست خارجی هر واحد سیاسی همواره از مراحل تدوین، اجرا، ارزیابی و بازبینی از محیط بیرونی تأثیرپذیر است. در همین پیوند، یکی از محیط‌های بیرونی، محیط منطقه‌ای است؛ فضای جغرافیایی‌ای که در آن، هر کشوری با مجموعه‌ای از بازیگران در تعامل بوده و اهداف و منافع خود را پیگیری می‌کند. اتخاذ سیاست‌های مطلوب در ارتباط با دیگر بازیگران سیاسی در مناطق مختلف جهان، نیازمند شناخت دقیق تهدیدها و



فرصت‌های این عرصه است. یکی از رویکردهای عرصه سیاست خارجی مربوط به جمهوری اسلامی ایران در سرزمین یا واحد سیاسی - فضایی ایران است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر منافع ملی و مؤلفه‌ها و ارزش‌های ملی و دینی و مذهبی در چارچوب اندیشه اسلام سیاسی و تفکر و مذهب شیعه مبتنی است. از نظر جغرافیایی، ایران کشوری واقع در منطقه جنوب غرب آسیا است که از شمال با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، از جنوب با منطقه خلیج فارس، از غرب با مدیترانه شرقی و از شرق با جنوب آسیا هم‌جوار است و رابطه همسایگی دارد. هر یک از مناطق اطراف ایران را می‌توان منطقه‌ای ژئوپولیتیکی دانست. منطقه‌ای که مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی فضایی هم‌جوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی از آن دو را در بر می‌گیرد که براساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از دیگر مناطق و نواحی مجاور متمایز است. یکی از این مناطق ژئوپولیتیکی، منطقه جنوب آسیا است. این منطقه در ادبیات مرسوم جغرافیای سیاسی شامل هفت کشور هند، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، نپال، مالدیو و بوتان است که ویژگی‌های منحصر به فرد و خاص خود را دارد. تاریخ روابط دیرینه ایران و منطقه جنوب آسیا بیانگر این واقعیت است که در شکل‌گیری روابط ایران و کشورهای این منطقه، چالش‌هایی وجود دارد. اگر جمهوری اسلامی ایران به برقراری ارتباط پایدار و نقش‌آفرینی مؤثر در منطقه جنوب آسیا علاقه‌مند باشد، باید این چالش‌ها را شناسایی کند، زیرا یکی از پایه‌های اساسی گسترش و یا کاهش روابط در حوزه‌های مختلف است.

نگارندگان با توجه به اهمیت مسئله و به‌منظور شناسایی و درک درست از چالش‌های ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا، یافته‌های خود را با عنایت به نظر استادان دانشگاه‌های پاکستان، هندوستان، بنگلادش، سریلانکا و ایران مشخص کردند. براساس نظر عمده مصاحبه‌شوندگان، وضعیت کمی چالش‌های ژئوپولیتیکی منطقه جنوب آسیا در رابطه با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از این قرار است:



چالش‌ها	چالش است	چالش نیست	امتیاز و رتبه
۱	فشار امریکا بر کشورهای جنوب آسیا	۵۷	۸ (رتبه ۱۲/۰۱)
۲	روابط کشورهای جنوب آسیا با رژیم صهیونیستی	۴۶	۱۹ (رتبه ۸/۷۲)
۳	تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران	۶۱	۴ (رتبه ۱۲/۸۷)
۴	برخورداری هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌ای	۳۹	۲۶ (رتبه ۸/۳۷)
۵	کشف منابع تأمین انرژی در کشورهای جنوب آسیا	۴۲	۲۳ (رتبه ۸/۴۲)
۶	وجود منابع جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (کشورهای حوزه خلیج فارس)	۵۱	۱۴ (رتبه ۱۰/۷۸)
۷	وجود مسیرهای جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (خط تاپی)	۴۸	۱۷ (رتبه ۱۰/۹۵)
۸	رقابت پاکستان برای ایجاد مسیر گذرگاهی رقیب با جمهوری اسلامی ایران	۴۷	۱۸ (رتبه ۹/۸۸)
۹	اختلافات هند و پاکستان در مورد کشمیر	۴۴	۲۱ (رتبه ۸/۶۸)
۱۰	مناقشات شیعه و سنی در پاکستان	۵۸	۷ (رتبه ۱۰/۲۷)
۱۱	مناقشات مسلمان و هندو در هندوستان	۴۹	۱۶ (رتبه ۹/۶۸)
۱۲	شاخه دیوبندی اهل سنت در جنوب آسیا	۴۷	۱۸ (رتبه ۹/۲۳)
۱۳	نفوذ و حمایت عربستان از نهادهای مذهبی مروج تفکر وهابیت در جنوب آسیا	۵۴	۱۱ (رتبه ۱۱/۶۷)
۱۴	گروه‌های بنیادگرای لشکر جهنگوی و سپاه صحابه	۵۵	۱۰ (رتبه ۱۱/۰۰)
۱۵	طرح بلوچستان بزرگ‌تر توسط بلوچ‌های پاکستان	۴۸	۱۷ (رتبه ۹/۸۰)

نویسندگان بر مبنای مباحثی که در چارچوب نظری گذشت (بویژه نظریه مکتب کپنهاگ که بر عامل جغرافیا و اولویت‌دهی به امنیت ملی در چارچوب اهمیت تهدید^۱ تأکید دارد)، ضمن تأیید اهمیت موارد فوق به‌عنوان چالش‌های ژئوپولیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب آسیا، به‌منظور شناخت‌شناسی بهتر و اولویت‌بندی این محورها بر اساس امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به جمع‌بندی ۱۵

۱. بر اساس نظریات باری بوزان، هر چقدر فاصله تهدیدکننده (در اینجا آسیای جنوبی) با جغرافیای تهدیدشونده (در اینجا جمهوری اسلامی ایران)، نزدیک باشد، اهمیت آن تهدید برای کشور مورد هدف، بیشتر خواهد است.

عنوان چالش	عرصه چالش‌ها	چالش‌های ژئوپولیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا
طرح بلوچستان بزرگ‌تر توسط بلوچ‌های پاکستان	دفاعی - امنیتی	
روابط کشورهای جنوب آسیا با رژیم صهیونیستی		
نفوذ و حمایت عربستان از نهادهای مذهبی مروج تفکر وهابیت در جنوب آسیا		
برخورداری هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌ای	اقتصادی	
فشار امریکا بر کشورهای جنوب آسیا		
تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران		
رقابت پاکستان برای ایجاد مسیر گذرگاهی رقیب با جمهوری اسلامی ایران		
وجود منابع جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (کشورهای حوزه خلیج فارس)		
کشف منابع تأمین انرژی در کشورهای جنوب آسیا		
وجود مسیرهای جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (خط تاپی)	هویتی - ارزشی	
مناقشات شیعه و سنی در پاکستان		
شاخه دیوبندی اهل سنت در جنوب آسیا		
گروه‌های بنیادگرای لشکر جهنگوی و سپاه صحابه		
مناقشات مسلمان و هندو در هندوستان		
اختلافات هند و پاکستان در مورد کشمیر		

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف شناسایی چالش‌های ژئوپولیتیکی منطقه جنوب آسیا با تمرکز بر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تدوین شد. نگارندگان با توجه به اهمیت مسئله و به‌منظور درک درست متغیرهای پژوهشی، یافته‌های خود را با عنایت به نظر استادان دانشگاه‌های پاکستان، هندوستان، بنگلادش، سریلانکا و ایران (در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل) مشخص کردند. براساس نظر این استادان، ۱۵ متغیر مؤثر به‌عنوان چالش‌های منطقه جنوب آسیا برای جمهوری اسلامی ایران، از این قرار است: ۱. فشار امریکا بر کشورهای جنوب آسیا ۲. روابط

۱. لازم به اشاره است، برخی از این متغیرها می‌تواند کارکرد دوگانه (همزمانی یک تهدید در عرصه‌های امنیتی و اقتصادی) داشته باشد.



کشورهای جنوب آسیا با رژیم صهیونیستی ۳. تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران ۴. برخورداری هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌ای ۵. کشف منابع تأمین انرژی در کشورهای جنوب آسیا ۶. وجود منابع جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (کشورهای حوزه خلیج فارس) ۷. وجود مسیرهای جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (خط تاپی) ۸. رقابت پاکستان برای ایجاد مسیر گذرگاهی رقیب با جمهوری اسلامی ایران ۹. اختلافات هند و پاکستان در مورد کشمیر ۱۰. مناقشات شیعه و سنی در پاکستان ۱۱. مناقشات مسلمان و هندو در هندوستان ۱۲. شاخه دیوبندی اهل سنت در جنوب آسیا ۱۳. نفوذ و حمایت عربستان از نهادهای مذهبی مروج تفکر وهابیت در جنوب آسیا ۱۴. گروه‌های بنیادگرای (لشکر جهنگوی و سپاه صحابه و...) ۱۵. طرح بلوچستان بزرگ‌تر توسط بلوچ‌های پاکستان.

نویسندگان ضمن تشریح شاخص‌ها - در متن اصلی که گذشت - به‌منظور شناخت- شناسی بهتر از چالش‌های امنیت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب آسیا، به جمع‌بندی ۱۵ متغیر مذکور براساس سه عرصه «امنیتی - دفاعی» (طرح بلوچستان بزرگ‌تر توسط بلوچ‌های پاکستان، روابط کشورهای جنوب آسیا با رژیم صهیونیستی، نفوذ و حمایت عربستان از نهادهای مذهبی مروج تفکر وهابیت در جنوب آسیا و برخورداری هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌ای)، «اقتصادی» (فشار امریکا بر کشورهای جنوب آسیا، تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، رقابت پاکستان برای ایجاد مسیر گذرگاهی رقیب با جمهوری اسلامی ایران، وجود منابع جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا (کشورهای حوزه خلیج فارس)، کشف منابع تأمین انرژی در کشورهای جنوب آسیا و وجود مسیرهای جایگزین به‌جز ایران برای تأمین انرژی جنوب آسیا) و «هویتی - ارزشی» (مناقشات شیعه و سنی در پاکستان، شاخه دیوبندی اهل سنت در جنوب آسیا، گروه‌های بنیادگرای لشکر جهنگوی و سپاه صحابه، مناقشات مسلمان و هندو در هندوستان و اختلافات هند و پاکستان در مورد کشمیر) پرداختند.

بنابراین آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، برشمردن چالش‌های کمی و کیفی ژئوپولیتیک و امنیتی منطقه جنوب آسیا برای جمهوری اسلامی ایران بود. در رابطه با فرصت‌ها، از نظر نویسندگان، بهتر است راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب آسیا، «تدافعی» (مثبت) باشد. پیگیری این راهبرد می‌تواند ضمن تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، از به‌وجودآمدن تنش در روابط ایران و کشورهای منطقه جنوب آسیا جلوگیری کند. این راهبرد در قالب چهار «رویکرد»، قابلیت تنظیم و پی‌جویی دارد:

۱. رویکرد اقتضایی: باتوجه به اینکه کشورهای منطقه جنوب آسیا چالش‌های گوناگونی

(اختلاف هند و پاکستان در مورد کشمیر و رودخانه‌های مرزی، اختلاف مرزی با کشورهای فرامنطقه‌ای، مناقشه مسلمان و هندو، مناقشه شیعه و سنی و...) دارند؛ لذا ضروری است، راهبرد سیاست خارجی با رویکرد حمایت از یکی از کشورهای درگیر، و یا دعوت به خویشتنداری اتخاذ شود.

۲. رویکرد همراه‌سازی: نظر به روابط دیرینه تاریخی و اشتراکات مذهبی، نژادی و تمدنی، از مهم‌ترین محورهای راهبرد تدافعی (مثبت)، تقویت روابط فرهنگی به صورت شفاف و پرهیز از فعالیت‌های فرهنگی حساسیت‌برانگیز است. رویکرد حساسیت‌زدایی و همراه‌سازی از عوامل فرصت‌ساز فرهنگی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این منطقه مؤثر است.

۳. رویکرد هم‌تکمیلی: با عنایت به ذخایر انرژی و موقعیت جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌ها و نیاز کشورهای جنوب آسیا، می‌توان در چارچوب رویکرد هم‌تکمیلی این محورها را دنبال کرد: الف) تقویت دیپلماسی اقتصادی با تمرکز بر تأمین مالی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور بخش غیر دولتی در کشورهای جنوب آسیا ب) تلاش برای گسترش روابط تجاری و تبدیل روابط تجاری به طرح‌ها و پیوندهای درازمدت اقتصادی با کشورهای پیشرفته جنوب آسیا بر اساس اصل سود و منافع متقابل ج) ایجاد پیوندهای اقتصادی و ترانزیتی پایدار دو و چندجانبه از طریق شناسایی طرح‌های مشترک اقتصادی و ترانزیتی توسط دستگاه سیاست خارجی د) تلاش برای مشارکت جمعی کشورهای جنوب آسیا (هند و پاکستان) در توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقلی ه) تقویت و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقلی برای جلوگیری از گرفتن جایگاه جمهوری اسلامی ایران توسط کشورهای ترانزیتی و صادرکننده منابع انرژی به جنوب آسیا و) اتخاذ دیپلماسی مؤثر انرژی با هدف ارتقای نقش مدیریتی ایران در امنیت، تولید و انتقال انرژی ز) رایزنی دو و چندجانبه با کشورهای جنوب آسیا به منظور صادرات کالاهای تولیدی ایران به بازارهای فرامنطقه‌ای

۴. رویکرد میانجی‌گری: با توجه به سابقه تاریخی میانجی‌گری ایران (اختلاف پاکستان و افغانستان) در منطقه جنوب آسیا، یکی از راهبردهای تدافعی (مثبت) مؤثر، رویکرد میانجی‌گری برای رفع بحران‌های درون‌منطقه‌ای جنوب آسیا است. مباحث این رویکرد از این قرار است: الف) میانجی‌گری درباره موضوعات اولویت‌دار همسایگان بر مبنای اصول شناخته‌شده حقوقی با هدف حفظ تمامیت ارضی و منافع کشورهای منطقه جنوب آسیا ب) تقویت روابط دو و چندجانبه با هدف خاتمه بحران‌ها و نزاع‌های منطقه‌ای و روبرویی با خطر تکثیر تروریسم و افراطی‌گری.



- ابرار معاصر (۱۳۹۲) کتاب آسیا ۸، تهران: ابرار معاصر.
- ای. لیک، دیوید و پاتریک ام. مورگان (۱۳۹۲)، *نظم‌های منطقه‌ای*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۹۰)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمشیدی بروجردی، محمد تقی (۱۳۷۲)، *علل ریشه‌ای درگیری‌های مسلمانان و هندوها*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای*، تهران: مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، *مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی (۲)*، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک*، مشهد: پاپلی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۵)، *پاکستان*، تهران: زیتون سبز: سپهر.
- شفیع، نوذر (۱۳۸۵)، نقش دیوبندیسیم در سیاست و حکومت پاکستان با تأکید بر جمعیت علمای اسلام، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۲۸: ۹۲ - ۶۹.
- فاطمی‌نژاد، سیداحمد (۱۳۹۴)، *هند و پاکستان مدیریت منازعه در پرتو تسلیحات هسته‌ای*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قاسمی، محمدطیب (۱۳۷۹)، *تحلیلی دقیق از اوضاع حوزه‌های علمیه*، ترجمه صلاح‌الدین شهنوازی، زاهدان: صدیقی.
- کمپ، جفری و رابرت هارکاو (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، ج ۱، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوهن، سال برنارد (۱۳۸۷)، *ژئوپولیتیک نظام جهانی*، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
- گود، آرسیدا؛ منیشا، موخرجی (۱۳۹۶)، *روابط معاصر ایران و هند*، ترجمه سیدحسین رئیس‌السادات، مشهد: پاپلی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، نظریه سازه‌انگاری متعارف و پژوهش در روابط بین‌الملل و استلزامات پژوهشی، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره دوازدهم.
- معینی علمداری؛ جهانگیر و راسخی، عبدالله (۱۳۸۹)، روش‌شناسی سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره چهار.
- نصیری، حسین (۱۳۹۲)، تعامل منطقه‌ای، ملی و جهانی، تهران: وزارت امور خارجه.
- واعظی، محمود (۱۳۹۰)، ایران و تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان، کانون‌های بحران در آسیا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- A. Saeed, M. Anzar, H. Ahmad, A.S.S. Guftaar, F.U.B. Muhammad (2016). A comparative review of China, India and Pakistan renewable energy sectors and sharing opportunities, *Renew. Sustain. Energy Rev.* 57/ 216-225.
- Abbasa, Syed Zagam, Anila Kousara, Sohail Razzaqb, Amir Saeeda, Mehboob Alamc, Anzar Mahmood (2018). Energy management in South Asia, *Energy Strategy Reviews* 21 / 25-34
- Abhyankar, Rajendra (2012). The Evolution and Future of India-Israel Relations, Research Paper No. 6, 1-30
- Ahmad, Afroz, Ms. Najish (2017). Balochistan Movement: Why India's Policy Took a Shift Towards Balochistan Under Narendra Modi Government, *International Journal of African and Asian Studies*, Vol.39, 1-5
- Amin, Tahir (1993). *Ethno-National Movements of Pakistan*. Islamabad: Institute of Policy Studies.
- Arshad, Muhammad (2017). India-Pakistan Nuclear Equation: The Need for an Arms Control and Disarmament Regime: *NDU Journal*
- Babu, Koppula Victor (2017). RELIGIOUS VIOLENCE IN INDIA WITH SPECIAL REFERENCE OF HINDU AND MUSLIM, toyo university repository for academic resources.
- Chaziza, M. (2016). China Pakistan Relationship: A Game-changer for the Middle East? *Contemporary Review of the Middle East*, 3(2): 1-15
- Dadwal, Shebonti Ray (2011). Can the South Asian Gas Pipeline Dilemma be Resolved through a Legal Regime?, *Strategic Analysis*, Vol. 35, No. 5, 757-769.
- Das, runa (2010). State, identity and representation of nuclear in securities in india and Pakistan: *journal of Asian and African studies*: vol45, no2
- Davies, simon j (2004). community versus deterrence: managing security and nuclear proliferation in latin American and south asia: *international relation*: vol18, no1
- ESMAP (2008). Potential and Prospects for Regional Energy Trade in the South Asia Region, The International Bank for Reconstruction and Development/THE WORLD BANK GROUP
- Gartzke, erik and matthew, kroenig (2009) bargaining, nuclear proliferation, and interstate dispute, *journal of conflict resolution*: 53



- Grosal, Debjani (2016). Strategic Hyphenation between India and Israel: The Major Areas of Cooperation and Constraints in the Post-Cold War Era, *Jadavpur Journal of International Relations* 20(1) 1–37
- Haider, Z. (2005). Baluchis, Beijing and Pakistan's Gwadar port. *Georgetown Journal of International Affairs*, 6(1), 95–103
- Howenstein, Nicholas (2008). The Jihadi Terrain in Pakistan: An Introduction to the Sunni Jihadi Groups in Pakistan and Kashmir. Pakistan Security Research Unit (PSRU), Research Re-port 1. Bradford: PSRU
- Hu, Rui, Keping Tian (2015). A Brief Study of Sectarian Conflicts in India, *International Conference on Humanities and Social Science Research*, 242-246
- Huda, Mirza Sadaqat (2013). Myanmar, Bangladesh and India: Prospects for Energy Co-operation, future directions international, *Strategic_Analysis_Paper*
- Huda, Mirza Sadaqat, Saleem H. Ali (2017). Energy diplomacy in South Asia: Beyond the security paradigm in accessing the TAPI pipeline project, *Energy Research & Social Science* 34 , 202–213
- Iftikhar, Muhammad Naveed, Fatima Najeeb, Sardar Mohazzam, and Shahida Arif Khan (2015). Sustainable Energy for All in South Asia: Potential, Challenges, and Solutions, A publication of the Sustainable Development Policy Institute (SDPI).
- Khan, Mohammd Shehryar (2008). Lyari Report, Friday, Feb 14.
- Kumaraswamy, P. R. (2018). *India's Saudi Policy: Bridge to the Future*, Publisher Springer
- Kupecz, Mickey (2012). Pakistan's Baloch Insurgency: History, Conflict Drivers, and Regional Implications, *International Affairs Review*, Volume, Xx, Number 3, Spring, 96-110
- Madanayaka ,S.A.K (2015). Iran – Sri Lanka Political and Diplomatic Relations from Past to Present, 29-39
- Mallya, S., & Shreyas, D. (2015). Viability of India's Gas Pipeline Options: A Geopolitical Perspective (Pakistan is a Spoiler in TAPI and IPI Venture). Issue Brief, Center for Land Warfare Studies, 45.
- MINISTRY OF FOREIGN AFFAIRS GOVERNMENT OF NEPAL KATHMANDU, NEPAL (2015) REPORT ON NEPAL'S FOREIGN AFFAIRS (2015-2016), MINISTRY OF FOREIGN AFFAIRS
- Mir, Amir (2008) *Fluttering Flag of Jihad*. Lahore, Pakistan: Mashal Books
- Rahman, Khalid (2012) *India-Iran Relations and Current Regional Dynamics: Policy Perspectives* 7.2 (Dec).
- Rubin, Barry M (2010). *Guide to Islamist Movements, Volume 2* /M.E.Sharpe /December
- Sharma ,Ashok & Dov Bing (2015). India–Israel relations: the evolving partnership, *Israel Affairs*, Vol. 21, No. 4, 620–632

Silri, Rajiv (2008) THE GEOPOLITICS OF ENERGY SECURITY AND IMPLICATIONS FOR SOUTH AND SOUTHEAST ASIA, Institute of South Asian Studies.

– Singh, Amit (2018) Conflict between Freedom of Expression and Religion in India—A Case Study. Soc. Sci., 7, 108. 2 of 16

– Singh, Kulvinder (2015). SECTARIAN CONFLICT IN PAKISTAN: ITS CAUSES AND IMPLICATIONS. JAN-FEB 2017, VOL- 4/29.p 4667-4675

– Sloan, Stephen, Sean K. Anderson (2009). Historical Dictionary of Terrorism, Scarecrow Press

– Spider Web: The Making and Unmaking of Iran Sanctions (2013). International Crisis Group. Retrieved 23 April 2018, from <https://d2071andvip0wj.cloudfront.net/138-spider-web-the-making-and-unmaking-of-iran-sanctions.pdf>

– Squassoin, S (2006). US nuclear cooperation with India: Issues for Congress, Foreign Affairs.

– T. Salem, E. Kinab (2015). Analysis of building-integrated photovoltaic systems: a case study of commercial buildings under Mediterranean Climate, Procedia Eng 118 / 538 – 545.

– Zahab, Mariam Abou, and Olivier Roy (2004). Islamist Networks: The Afghan-Pakistan Connection.

– Zaman, Qasim (1998). “Sectarianism in Pakistan: The Radicalization of Shi’a and Sunni Identities” Modern Asian Studies 32 (3): 689 – 716

